

# پاسخ به تاریخ

در فصل بعد خواهیم دید که ایران چگونه توانست مساله نفت را حل کند.

## فصل چهارم

### از عصر نفت تا دوران اتم

تاریخ نویسان روایت کرده اند که آتش معبد مقدس زرتشت در آذربایجان هرگز خاموش نمیشد. چنین پیداست که این شعله ها تنها بر تاریخ ملت ما پرتو افکن نبود، بلکه آینده ایران را نیز روشن و تابناک ساخت.

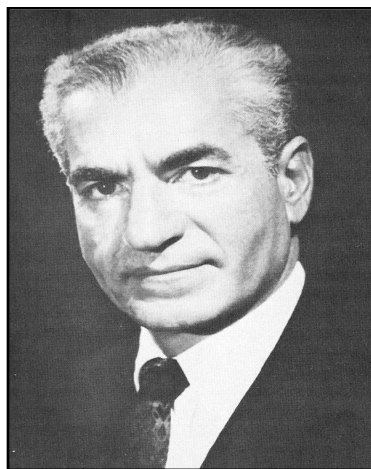
فراموش نکنیم که نخستین چاه نفت بدستور داریوش کبیر حفر گردید. این چاه در منطقه شوش گوشه ای از خوزستان نفت خیز قرار داشت که بیست و پنج قرن بعد شاهد حفر چاههای کنونی در آن بودیم.

### یک تاریخ غیر انسانی

امپراطوری عظیم نفت، یکی از غیر انسانی ترین حکومتهایی است که تاریخ جهان بخود دیده. حکومتی که نه اصول اخلاقی بر آن حاکم است و نه ملاحظات اجتماعی و انسانی.

چنانچه دیدیم امتیاز نفت ایران در سال 1907 برای مدت شصت سال به ویلیام ناکس دارسی اعطا شد. دارسی پس از اخذ این امتیاز همه حقوق خود را به دولت بریتانیا واگذار کرد و بدین ترتیب شرکت بزرگ و توانای نفت ایران و انگلیس بوجود آمد که به سرعت یکی از پرنفوذترین شرکتهای نفتی جهان شد. در سال 1312 دولت ایران توانست قرارداد داریسی را لغو کند. قرارداد جدیدی که منعقد شد درآمد چندین بیشتری عاید کشور ما نمی کرد. در این میان منافع شرکت نفت ایران و انگلیس به ارقام سرسام آوری رسید. نه تنها یکصد میلیون دلار سرمایه گذاری

بقیه در صفحه 16



حزب توده محل تردید نیست. بعضی ها انگلیسها و مخصوص آمریکائیان را متهم کرده اند که در جریان قیام مردم علیه مصدق به مخالفین وی کمکهای مالی کرده اند. مدارک انکار ناپذیر نشان میدهد که در این جریان سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا شصت هزار دلار خرج کرده است. آیا می توان تصور کرد که با این مبلغ ناچیز و در مدت چند روز ترتیب یک قیام ملی به منظور برانداختن یک حکومت غیرقانونی میسر باشد؟

نزدیک به سی ماه لازم آمد که چهره واقعی مصدق، بصورت آن شاگرد جادوگر افسانه ها، بر ایرانیان روشن و شناخته شود که چه جریانها برانگیخت بدون آنکه خود قادر به تسلط بر آنها باشد. در آخر ماه مرداد 1332 حکومت اراذل و اوباش بر کوچه و خیابانهای شهر پایان گرفت و ایرانیان توانستند در صلح و صفا و امنیت به کار و زندگی خود بپردازند. ولی در طی این مدت کشور دچار ویرانی، سخت مقرروض شده بود و در حقیقت طی مدت کمتر از سه سال ما صدها میلیون دلار از دست داده و متضرر شده بودیم.

کتاب پاسخ به تاریخ، آخرین نوشته شاهنشاه آریامهر میباشد که در ایام بیماری و در سخت ترین روزهای زندگی وی در غربت و بدور از وطن نوشته شده است. این کتاب دربرگیرنده افکار ژگرف شاهنشاه در رابطه با سیاست ایران و جهان، بررسی امور تاریخی، برنامه های ناتمام برای پیشرفت کشور و نیز بروز فاجعه بهمن 57 و تجزیه و تحلیل آن از دید اعلیحضرت میباشد. شما را به خواندن این کتاب مهم دعوت می نمائیم.

محاکماتی که بعد از سقوط حکومت مصدق انجام یافت حقایق شگفت انگیزی را پیرامون جریانات سیاسی سالهای 1320 تا 1332 برهمگان روشن کرد. از جمله آنکه شمار افسران قوای مسلح که عضو حزب توده بودند در این مدت از یکصد و ده تن به ششصد تن رسیده بود. نقشه حزب توده آن بود که از مصدق برای برکناری من استفاده کند و سپس خود او را دو هفته بعد از رفتن من از میان بردارد. حتی کمونیستها تمبرهای جمهوری خلق ایران را که میبایست بعد از برکناری مصدق اعلام شود، آماده چاپ و انتشار کرده بودند که من این تمبرها را به چشم خود دیده ام.

قیام ملت ایران به هواداری از من این نقشه ها را برهم زد و پس از استقرار مجدد حکومت قانونی در ایران، حزب توده به فعالیتهای زیرزمینی و تخریبی پرداخت. اندکی قبل از این ماجرا استالین درگذشته بود و بر اثر تغییر تدریجی سیاست شوروی رویه حزب توده نیز بعدا دچار تحولاتی شد. در پشتیبانی سیاسی و مالی روسها از

اولیه شرکت کاملاً در اوایل دهه 1920-1930 مستهلک گردیده بود، بلکه درآمد شرکت به بیست برابر این رقم بالغ میشد. ایران از این درآمدهای سرشار سهم شایسته ای نداشت. سهامداران شرکت، یعنی در درجه اول دریاداری انگلستان و نیز خزانه آنکشور بدرآمدهای سرشاری رسیدند: بعنوان مثال در سال 1950 در حالیکه شرکت فقط 45 میلیون دلار حق الامتیاز به دولت ایران پرداخت، میزان مالیات تادیه شده به خزانه بریتانیا 112 میلیون دلار بود و این خود معیاری است برای سنجش میزان سود سهامداران!!!.

در حالیکه شرکتهای نفتی آمریکائی با دولت عربستان سعودی قراردادهائی بر مبنای 50-50 منعقد کرده بودند، حق الامتیازی که شرکت نفت ایران و انگلیس به ما میپرداخت حتی کمتر از سی درصد بود و قسمت مهمی از عواید و منافع حاصل از بهره برداری نفت ایران را، انگلیسها در سایر ممالک برای توسعه اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت سرمایه گذاری میکردند.

در بیست و نهم اسفند 1329 قانون ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید. من گرمترین و پور شورترین طرفدار این قانون بودم. ولی عقیده داشتم که باید به همراه آن به مذاکره با شرکتهای نفتی پرداخت تا ترتیب صحیح و معقولی برای استفاده از ثروتهای کشور داده شود. بریتانیای کبیر، از دولت ایران به دیوان داوری لاهه شکایت برد و 4800 تن متخصصان فنی خود را از کشور ما خارج کرده، به منع فروش نفت از جانب ایران پرداخت. نتیجه آنکه شرکت ملی نفت ایران که تازه تاسیس شده بود، حتی به نصف قیمت موفق به فروش و صدور نفت نشد. تنها یک کشتی کوچک نفت کش حاضر به حمل نفت صادراتی ایران شد که انگلیسها آنرا هم در بندر عدن ضبط و توقیف کردند. طی مدت سه سال نه تنها ایران از محل نفت درآمدی نداشت بلکه مبالغ زیادی را صرف نگاهداری تاسیسات نفتی نمود. پس از مذاکرات طولانی سرانجام در سال 1333 ما قراردادی با یک کنسرسیوم مرکب از هشت شرکت نفتی بزرگ جهان امضا کردیم. مقرر شد که این شرکتها بصورت "عامل" شرکت ملی نفت، عمل نمایند. مدت اعتبار قرارداد 25 سال بود و امکان تمدید آن به مدت پانزده سال دیگر یعنی هر پنج سال یکبار پس از انقضای موعد وجود داشت. در قرارداد اصل 50-50 ملحوظ شده بود و نیمی از سود بهره برداری نصیب ایرانیان میشد. سه سال بعد ما توفیق یافتیم که برای نخستین بار شرکت ملی نفت ایران را در مجموع فعالیتهای نفتی کشور شریک و سهام گردانیم و آن قراردادی با شرکت آجیب بریاست انریکو ماته ئی بود که شرکت مشترک نفت ایران و ایتالیا تشکیل شد و پنجاه درصد سهام آن متعلق به ایران بود. اندکی بعد قرارداد دیگری بر همین اساس با شرکت نفت پان آمریکن برای استخراج نفت فلات قاره ایران تشکیل شد و

چون در هر دو قرارداد از یک طرف شرکت ملی نفت ایران مالک پنجاه درصد سهام شرکت بهره برداری کننده بود و از طرف دیگر دولت ایران پنجاه درصد مالیات از منافع را دریافت میداشت، عملاً سهم کشور به 75٪ میرسید. مضافاً اینکه در قرارداد با کمپانی شل 85 میلیون دلار بعنوان حق القدم و بلاعوض به دولت ایران پرداخت گردید.

از این پس سیاست نفتی ایران بر این اصل قرار گرفت که دیگر مطلقاً هیچ نوع امتیازی به هیچ شرکت خارجی داده نشود و شرکتهای خارجی یا به عنوان واسطه و یا بعنوان شریک به هزینه خود به اکتشاف بپردازند و اگر به نفت دست یافتند آن زمان دولت ایران در هزینه و منافع استخراج و بهره برداری شریک و سهام باشد. در حقیقت در این زمان بود که قانون ملی شدن نفت پس از تقریباً یک ربع قرن تلاش ایران و من به نتیجه نهائی خود رسید و آرزوی ما جامه عمل پوشید. از این پس ایران نه تنها مدیریت کامل همه تاسیسات نفتی خود را بعهده گرفت، بلکه در تعیین شرایط فروش نفت نیز آزادی کامل یافت.

### مرگ انریکو ماته ئی

از 1337 که شکیبائی من در برابر تحمیلات و سؤاستفاده های شرکتهای بزرگ نفتی واقعا بیابان رسید و ما در مقامی بودیم که میتوانستیم با آنان جدا به مقابله بپردازیم، اندک اندک حوادث و وقایعی غریب و شگفت انگیز وقوع یافت. نخست مرگ ناگهانی انریکو ماته ئی رئیس شرکت نفت ایتالیا که یک قرارداد نفتی انقلابی با ایران منعقد کرده بود. هنگامی که من ماته ئی را شناختم وی مردی بود تقریباً پنجاه ساله، فعال و پرتحرک که بازارهای نفتی جهان را میشناخت و به خطراتی که در مبارزه با شرکتهای بزرگ نفتی جهان متوجه او بود، وقوف کامل داشت. ولی همیشه عادت داشت بگوید: "من وقت ترسیدن ندارم". ماته ئی برای صرفه جوئی در وقت همواره با هواپیما یا هلی کوپتر سفر میکرد و ظاهراً مجموع ساعات پرواز او به 5700 می رسید. در ساعت 17/25 دقیقه روز 27 اکتبر 1962 هواپیمای وی از یک فرودگاه سیسیل پرواز کرد و قرار بود که در ساعت 18/57 در فرودگاه میلان فرود آید. ویلیام مک لال، رئیس دفتر مجله معروف تایم در ایتالیا در این سفر ماته ئی را همراهی میکرد. بر فراز فرودگاه میلان هوا بارانی و مه آلود بود و برج مراقبت آخرین پیام خلبان را دریافت کرد که اعلام آمادگی فرود آمدن می نمود. ولی دیگر از وی پیامی نرسید و در ساعت ده بعدازظهر خبر داده شد که هواپیمای وی در نزدیک باسکاپ در ایالت پاوی سقوط کرده و هیچکس از این حادثه جان سالم بدر نبرده است. اضافه کنیم که در اوایل ماه اکتبر طی بازرسی همین هواپیما یک بمب در آن کشف کرده بودند. در گزارش رسمی علت سقوط هواپیما فقدان دید کافی ذکر شد. آیا باید

بقیه در صفحه 23

این گزارش را پذیرفت و مرگ وی را يك حادثه دانست؟ به اتفاقات دیگری پردازیم: به محض اینکه ایران حاکمیت مطلق ثروتهای زیرزمینی خود را بدست آورد، بعضی از وسایل ارتباط جمعی دنیا مبارزه ای وسیع علیه کشور ما آغاز کردند و مرا پادشاهی مستبد خواندند. فعالیت‌های ضد ایرانی سازمان‌های باصطلاح دانشجویی در خارج از کشور تشویق شد. این مبارزه در سال 1327 آغاز شد. در سال 1341 به اوج خود رسید، ولی هرگز از پای ننشست و گرچه پس از انقلاب شاه و ملت در این سال، در مقابل پیشرفتهای و تحولات ایران، تا حد زیادی دشمنان ما ناچار به سکوت شدند، اما دوباره مبارزه تبلیغاتی خود را در سال 1354 از سر گرفتند.

### سیاست نفتی ایران

سیاست نفتی ایران، نقطه مقابل کوتاه بینی شرکت‌های بزرگ نفتی جهان بود. وزرای نفت کشورهای صادر کننده نفت در اواخر دسامبر 1973 به دعوت من در تهران گرد آمدند. در همین مجمع بود که به تاریخ 23 دسامبر تصمیم گرفته شد نرخ يك بشکه نفت از 5/032 به 11/651 دلار افزایش داده شود. وسایل ارتباط جمعی جهان بلافاصله مرا متهم به تخریب اقتصاد غرب و بلکه دنیا کردند. برای روشن کردن رویه و دیدگاه‌های خود، طی يك کنفرانس مطبوعاتی که اندکی بعد در کاخ سعدآباد برپا شد، توضیح دادم که حتی قیمت جدید کافی نیست و معتدل و معقول است. چرا که فروشگاهی به نرخ هر بشکه 17 دلار انجام شده و پیشنهادهایی تا معادل هر بشکه 23/60 دلار دریافت گردیده افزودم که قصد ما ایجاد نابسامانی و عدم تعادل در اقتصاد جهانی نیست، بلکه سیاست جدید نفتی ما به انجام تعادل طولی‌المدت اقتصاد دنیا کمک خواهد کرد چرا که قیمت نفت باید با هزینه تولید منابع دیگر نیرو و یا جانشین آن هماهنگ و متناسب باشد.

بسیار غیر عادی و حتی زننده بود که قیمت نفت از بهای آب معدنی اویان هم کمتر باشد. حال آنکه نفت ماده ای است بسیار مهم که در آن سال، حدود هفتاد هزار محصول مختلف از آن مشتق میشد و ساختن بسیاری از این محصولات به درجه ای از پیشرفت صنعتی و وسایل پیچیده نیاز داشت که سهم قیمت نفت در کل بهای آنها بسیار ناچیز بود. عقیده من این بوده و هست که سیاست نفت ارزان سیاستی است کوتاه نظرانه که باتلاف منابع موجود نفت خواهد انجامید و جهان را به يك فاجعه عظیم اقتصادی مواجه خواهد کرد. لازمه سیاست قیمت عادلانه نفت آن بود و هست که مرحله به مرحله و به تدریج، در قیمت فروش نفت تجدید نظر شود تا کشورهای مصرف کننده و بخصوص ممالک صنعتی بتواند اقتصاد خود را با آن تطبیق دهند.

### پس از شش سال جهان نظرات مرا تأیید کرد

روزنامه لوموند که همواره مخالف سیاست ایران و شخص من بوده است در مقاله ای که در ضمیمه دیپلماتیک خود به تاریخ مارس 1979 تحت عنوان "بحران نیرو و قیمت نفت" انتشار داد، همه این استدلالها را تأیید کرد. در این مقاله که پنج سال و سه ماه پس از کنفرانس تهران، انتشار یافت همه آنچه من گفته بودم، مورد تأیید قرار گرفته و بر ضرورت و لزوم فروش نفت به قیمتی عادلانه صحه گذاشته شده است. در این مقاله به رسوائی غیر قابل قبول اتلاف سالیانه 120 میلیارد متر مکعب گاز در جهان، که بی حاصل و بی مصرف سوزانده میشود، اشاره شده و به صراحت ذکر گردیده که سهم مالیات و عوارض داخلی در قیمت نفت در کشورهای صنعتی بیش از قیمت خرید آن از ممالک صادر کننده است. سرانجام نویسنده مقاله نزدیک شش سال بعد از من، بر ضرورت يك توافق جهانی بر سر قیمت نفت تأکید میکند. در این مقاله دقیقاً همه عقاید و پیشنهادهای من بازگو شده، بدون آنکه اشاره ای به کنفرانس مطبوعاتی کاخ سعدآباد شده باشد! بالاخره باید گفت که در ماه اوت 1978 جیمز شلزینگر وزیر نیروی وقت ایالات متحده امکان رسیدن قیمت نفت خام را به چهل و حتی پنجاه دلار در هر بشکه مورد توجه قرار داد. گناه من آن بود که حق داشتم.

تصویب قانون جدیدی پیرامون نفت در ایران، به خشم وسایل ارتباط جمعی جهان درباره کشورم و خود من افزود: طبق این قانون شرکت‌های نفتی خارجی فقط به عنوان خریدار نفت و یا طرف قرارداد شرکت ملی نفت ایران حق داشتند در کشور ما عمل کنند. میبایست در مرحله اول به شرکت‌های خارجی اجازه اکتشاف در منطقه محدود و معینی داده شود و در صورت حصول نتیجه و کشف نفت شرکت مورد بحث منحل میشد و شرکت ملی نفت ایران میبایست نفت حاصل را به قیمت بین المللی و با تخفیف حداکثر 5٪ به آن بفروشد.

از این پس شرکت ملی نفت ایران به احداث پالایشگاه‌های نفت در آفریقا و آسیا پرداخت و با شرکت نفت بریتانیا در بهره برداری از نفت و گاز دریای شمال شریک شد و حق مشارکت در اکتشاف منابع نفتی آب‌های گروئن لند را به اتفاق شرکت‌های بریتانیایی و آمریکائی و نروژی کسب نمود. هیچیک از این توفیقات برای شرکت‌های بزرگ نفتی خوشایند نبود. در سال 1977 شرکت ملی نفت ایران با درآمدی معادل 22 میلیارد دلار مقام نخست را در میان پانصد شرکت سودآور جهان به دست آورد و با فاصله زیاد بر دو شرکت بزرگ اکسون و شل، پیشی جست. بدینسان وعده ای که به ملت خود داده بودم که شرکت ملی نفت ایران را به صورت بزرگترین شرکت نفتی جهان درآورم، جامه عمل به خود پوشید و تحقق پذیرفت. قبل از آغاز حکومت نفرت و حماقت

بقیه در صفحه 23

و مسخرگی بر ایران، کشور ما چهارمین تولید کننده بزرگ نفت در دنیا بود و در میان ممالک صادرکننده مقام دوم را داشت. بعلاوه شرکت ملی پتروشیمی ایران از یازده کارخانه واحد وابسته، بهره برداری میکرد و شرکت ملی گاز روزبروز مقام مهمتری در جهان بدست میآورد. همه ذخائر گاز ایران هنوز به درستی شناخته نشده، ولی آنچه قطعی است، ما را در ردیف اتحاد جماهیر شوروی و در مقام نخست جهانی قرار میدهد.

### انسانها در مقابل هرج و مرج

تاریخ نشان خواهد داد که با رئیس مملکتی که به آینده ملتش دلبسته بود و جهان را به همبستگی و تعاون میخواند، چه رفتاری شد. برکناری من از صحنه سیاست جهانی باعث شد که بعضی ها بتوانند نظرات مرا بنام خود وانمود کنند و سیاست افزایش قیمت نفت را تا حد ارزش اقتصادی واقعی آن به سود خود اجرا نمایند. حال آنکه من میخواستم این سیاست به نحو هماهنگی اجرا شود و به نفع همگان باشد.

هنگامی که من از قدرتهای بزرگ غربی مصرا میخواستم که به اندیشه بهره برداری از منابع نیروی جایگزین نفت باشند، کسی به اهمیت این موضوع توجه کافی نکرد و هنگامی که کشور ما کوشید خود به این سیاست جامه عمل بپوشاند در راه پیشرفت ما کارشکنی و ایجاد موانع بسیار کردند.

من بارها به دو رئیس جمهور و یک معاون رئیس جمهور آمریکا گفتم که کشور آنها که تواناترین ممالک جهان غیر کمونیست است نباید و نمیتواند به خود اجازه دهد که تامین نفتش در گرو ممالک دیگر باشد. واقعیت این است که از وقتی که من از صحنه سیاسی و اقتصادی جهان کنار رفته ام، یک تهاجم همه جانبه ای علیه تعادل و ثبات اقتصادی و سیاسی دنیا آغاز شده است که بیش از همه متوجه قدرتهای بزرگ غربی است. این بحران در حقیقت وسیله ای است برای ایجاد و گسترش عدم ثبات در خاورمیانه و در اقتصاد جهانی. آنچه من می خواستم پیش بینی و پیش گیری از این نابسامانی و هرج و مرج بود که سالها پیش از دیگران فرا رسیدن آنرا احساس و مشاهده می کردیم. من بارها گفتم و تکرار کردم که آینده ایران دیگر نباید در گرو نفت باشد.

### سیاست "هنر پیش بینی"

در حدود سی سال دیگر که تعداد نفوس ایران به 65 میلیون نفر بالغ خواهد شد، منابع نفتی ما به پایان می رسد. برای آن زمان از هم اکنون باید چاره اندیشید. سیاست چیزی نیست جز سیاست هنر پیش بینی.

در نتیجه ما برآن شدیم که نیروگاههای بزرگ تولید برق اتمی بسازیم. دو نیروگاه اول که در نزدیکی بندر بوشهر ساخته میشود به آلمانها سفارش داده شد و قرار بود به

ترتیب در سالهای 1358 و 1359 به پایان برسد و یکسال پیش متجاوز از هشتاد درصد کارهای آن انجام شده بود. نیروگاههای سوم و چهارم که در کنار شط کارون احداث میگردد به فرانسه سفارش داده شده بود و تاریخ پایان ساختمان آنها به ترتیب 1362 و 1363 بود. اکنون ساختمان این نیروگاهها تعطیل و تمام جوهی که مصرف آنها شده بود بدور ریخته شده است.

در بهار سال 1977 به دعوت ایران پانصد تن از کارشناسان برجسته اتمی جهان برای بررسی درباره استفاده صلح آمیز از نیروی اتم در توسعه اقتصادی و چگونگی ترتیب همکاری بین المللی در این زمینه، در شیراز گردم آمدند. در پاسخ پیامی که رئیس جمهوری ایالات متحده بمناسبت این کنفرانس برام فرستاد، من صریحا یادآور شدم که باید از بروز هرگونه هرج و مرج و فقد مسئولیت در استفاده از نیروی اتم اجتناب کرد و گرنه انسانیت با مخاطرات جدی روبرو خواهد شد. در این پیام اضافه کرده بودم که کوشش ایران فقط در زمینه استفاده غیرنظامی از نیروی اتم است و در اینراه با کلیه کشورهای علاقمند جهان همکاری خواهیم کرد.

گناه بزرگ من این بود که خواستم به موقع و قبل از آنکه دیر شده باشد، ایران را از دوران نفت خارج کنم و به عصر اتم برسانم که خوشبختانه حتی در کشور ما خطر تشعشعات اتمی نیز به سبب صحراهای بزرگی که داریم موجود نیست. گناه من این بود که برای میهنم بلند پروازی میکردم و مرا متهم بداشتن "جاه طلبی های شخصی" میکردند. مگر نه این است که احتمال زنده ماندنم تا پایان این طرحهای طویل المدت ناچیز بود. من برای خودم هیچ نمیخواستم. هدف و آرزوی من این بود که همه پیش بینی های لازم برای تامین آینده ایران انجام شود که وحدت و تمامیت ایران تضمین گردد، که ایرانیان مرفه باشند. خوشبختانه علیرغم همه تبلیغات، درستی هدفها و روشهای من بر کلیه روشن بینان جهان و دبلیستگان به ایران آشکار شده است و سیاست مالیخولیائی بازگشت به قرون وسطی و ایجاد رعب و وحشت و اختناق دیگر مقبول هیچکس نیست. هدف من نه خواب و خیال بود و نه اهریمنی. (ادامه دارد)

### کلوب اعضای جشنها

کلوب اعضای سایت جشنها برای ارائه خدمات و امتیازات ویژه به بینندگان دائم خود دایر میباید برای عضویت در این کلوب و نیز کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنت جشنها [www.jashnha.co.nr](http://www.jashnha.co.nr) رجوع کرده و یا با تلفن دفتر شهیاد تماس حاصل نمائید